

اعلامیه مطبوعاتی

میان لبخند عید و اشک‌های غزه؛ فریادی به سوی افسران و سربازان

(ترجمه)

در حالی که مسلمانان عید قربان را جشن می‌گیرند و خود را برای شادی در کنار همسران و فرزندان‌شان آماده می‌کنند، این پیام را به‌طور ویژه خطاب به افسران و سربازان مخلص ارتش هسته‌ای پاکستان و دیگر ارتش‌های امت اسلامی می‌نویسیم: در این روزهای بزرگ، آنان را به یاد می‌آوریم که چگونه در برابر ناله‌های زنان، کودکان، سالخورده‌گان و مردان مظلوم فلسطین اشغالی سکوت کردند و در حالی که توان یاری داشتند، ایشان را خوار گذاشتند.

یادآور می‌شویم آن فرمانده راستین و پهلوان حقیقی، صلاح‌الدین ایوبی را که پس از سقوط بیت‌المقدس (۵۸۳ هجری قمری / ۱۱۸۷ میلادی) لبخند نزد و از شدت اندوه بیمار شد و گفت: «چقدر دردناک است که می‌بینم شهرهای اسلامی یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند». حتی وقتی بیت‌المقدس را از صلیبی‌ها پس از نبرد حطین بازپس گرفت، با چهره‌ای گرفته وارد شهر شد و از آن پیروزی بزرگ شاد نگردید، بلکه اندوهگین باقی ماند. وقتی علت اندوهش را پرسیدند، گفت: «چگونه شادمان باشم در حالی که در این شهر، فاجعه‌هایی عظیم رخ داده‌اند؟ چگونه بخندم در حالی که با قلبی اندوهگین از آنچه بر مسلمانان گذشته، وارد آن شده‌ام؟!»

او آزادی قدس را نه افتخاری شخصی، بلکه مکلفیت و وظیفه‌ای دینی می‌دانست و بزرگترین دغدغه‌اش صیانت از حرمت‌ها و مقدسات مسلمانان بود، نه فخر فروشی به پیروزی‌ها. این بود حال و عمل صلاح‌الدین، پیش و پس از آزادسازی بیت‌المقدس. در حالی که شمار شهدای مسلمان در اشغال قدس توسط صلیبی‌ها به حدود هفتاد هزار نفر می‌رسید، این رقم با آمار مسلمانانی که تنها در دو سال گذشته به‌دست رژیم یهود در غزه و کرانه باختری به شهادت رسیده‌اند، برابر یا کمتر است.

پس ای برادران ما در لباس نظامی! آیا حال و رفتار شما همچون الگوی‌تان صلاح‌الدین است؟! یا در تدارک دیدار با خانواده، شادمانی و تفریح در تعطیلات عید هستید، گویی آنچه در غزه می‌گذرد، نه قتل عام انسان‌ها، بلکه ذبح قربانی‌ها در کشتارگاه‌های لاهور یا داکا یا قاهره است؟! اگر شما خود را در جایگاه صلاح‌الدین می‌دانید، چگونه می‌توانید با آسودگی در کنار عزیزان‌تان بنشینید و بر بسترهای نرم در آغوش همسران‌تان بپارامید، در حالی که از انجام حتی یک‌دهم کارهای صلاح‌الدین در راه دفاع از قبله اول و حرم سوم اسلام عاجز بودید؟! و اگر می‌گویید که ما کجا و آن بزرگان کجا، آیا در شمار آنانید که مسلمانان را خوار گذاشتند و با یهودیان هم‌دست شدند؟! آیا شما از لشکریان فرعون و هامان نیستید، همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی فرمود:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ﴾ [القصص: ۸]

ترجمه: همانا فرعون، هامان و لشکریان‌شان گنهگار بودند.

آیا راضی هستید با آنان در جهنم سقر محشور شوید؟! الله شما را از آن حفظ کند!

ای برادران ما! شما نیز از جنس صلاح‌الدین هستید. او نه پیامبر بود و نه فرشته، بلکه انسانی همانند شما بود که به آنچه شما ایمان دارید ایمان داشت و آنچه شما از الله سبحانه و تعالی امید دارید، او نیز امید داشت. پس گوش به وسوسه‌های حاکمان ترسو ندهید که آخرت‌شان را در برابر دنیایی فانی و فریبنده فروخته‌اند.

اندوه و خشم مسلمانان پس از این فجایع، تنها در قلب مجاهدان نماند، بلکه همه مردم امت را فراگرفت. تاریخ‌نگاران آورده‌اند که مسلمانان در مغرب و مشرق جهان اسلام، پس از سقوط اندلس، برای مدت‌ها از شادی و جشن خودداری کردند. پس از سقوط قدس و کشتار مسجدالاقصی، اندوه در سراسر بلاد اسلامی گسترده شد و مسلمانان از برگزاری مراسم عروسی و جشن پرهیز کردند. بلکه حتی در دوران عثمانی، سلاطین پس از از دست دادن برخی شهرهای اروپا، در کاخ‌های خود شادی را ممنوع و عزای عمومی اعلام می‌کردند. گفته‌اند که سلطان سلیم اول همواره می‌گفت: «تا زمانی که سرزمین اسلام در معرض تهدید است، نه غذایی طعم دارد، نه خوابی آسایش می‌آورد و نه دلی شادی می‌یابد».

پس ای افسران و سربازان امت! آیا وقت آن نرسیده که رسالت تاریخی و ایمانی خود را درک کنید؟! اینگونه مواضع روشن می‌سازد که اندوه بر از دست‌دادن سرزمین‌های اسلامی، تجاوز به نوامیس مسلمانان و قتل مردان و زنان‌شان، جزئی از ایمان است. علما و پیشوایان دین بر این باور بودند که شادی در زمان مصیبت، خیانت به الله و رسول او و امت اسلام است؛ پس چگونه می‌توان سکوت و خیانت در برابر جنایات رذیلانه رژیم یهود در سرزمین مبارک فلسطین را توجیه کرد؟! راست فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمود:

«مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ لَا يُصْبِحُ وَيُمْسِي نَاصِحاً لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِإِمَامِهِ وَلِعَامَةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ» (اخرجه الطبرانی)

ترجمه: هرکس به امور مسلمانان اهتمام نرزد، از آنان نیست و هرکس صبح و شام با خیرخواهی برای الله، پیامبر، کتابش، امامش و عموم مسلمانان نباشد، از آنان نیست.

حتماً خبر فاجعه‌بار پزشک فلسطینی، آلاء النجار، به گوش‌تان رسیده است؛ مادری که در حمله بزدلانه رژیم یهود، ۹ فرزندش را از دست داد و فرزند دهم و همسرش زخمی شدند. آیا در چنین شرایطی می‌توان با آسایش غذا خورد یا در کنار همسر آرمید، در حالی که آلاء جگرگوشه‌هایش را فدای اسلام کرد؟! آیا نمی‌دانید که هزاران زن همچون آلاء در غزه وجود دارند که در دو سال گذشته فرزندان و بستگان خود را از دست داده‌اند؟!

زمانی فریاد تنها یک زن مسلمان از عموریه کافی بود تا معتصم، خلیفه مسلمانان، ارتشی را برای یاری او بسیج کند. تنها یک نامه از زن ستم‌دیده در سند، حجاج بن یوسف را برانگیخت تا لشکری بفرستد و پادشاه ستمگر، ظاهر شاه را از پای درآورد. حال شما را چه می‌شود که هزاران فریاد استغاثه از زنان فلسطینی شنیده‌اید و همچنان خاموش مانده‌اید؟! چگونه ممکن است طعام یا نوشیدنی یا خواب‌تان گوارا باشد؟!

در سیره نبوی و دوره خلفای راشدین آمده است که زنان مسلمان، برای ترغیب همسران‌شان به جهاد یا اعتراض به سستی آنان، از روابط زناشویی خودداری می‌کردند. در غزه تبوک، برخی زنان از همسران‌شان خواستند تا در راه الله سبحانه و تعالی بجنگند و اگر نمی‌جنگیدند، آنان را به بستر نمی‌پذیرفتند. یکی از آنان به شوهرش گفت: «تا زمانی که در راه الله جهاد نکنی، به بستر من وارد مشو»!

خلیفه دوم، عمر بن خطاب رضی الله عنه، کسانی را که از جهاد سر باز می‌زدند، توبیخ می‌کرد و زنان را به تحریک شوهران‌شان برای رفتن به جهاد تشویق می‌نمود. برخی زنان حتی به شوهران‌شان گفتند: «اگر برای جهاد نروی، از من طلاق!» و از جمله روایت شده که ام‌حکیم بنت الحارث، همسر عکرمه بن ابی‌جهل، او را به شرکت در جنگ تشویق کرد و با او هم‌بستر نشد تا اینکه به جهاد رفت و در نبرد یرموک شهید شد.

پس سستی و خیانت نیروهای مسلح امت، پیامدهای خطرناکی دارد. شما صاحبان سلاح و قدرت‌اید؛ شما کسانی هستید که امت اسلامی از شما انتظار حمایت دارد، نه مردمان عادی. اگر شما کوتاهی کنید، مردانگی و غیرت خود را از دست می‌دهید، چنان‌که عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمود: «شهادت کسی که بی‌عذر از جهاد تخلف کرده، پذیرفته نیست».

ما به شما نمی‌گوییم که پیش از آن‌که فرصت از دست برود اقدام کنید، بلکه می‌گوییم: فرصت از دست رفته است! ولی هنوز می‌توانید کوتاهی‌های گذشته را جبران کرده، به‌سوی الله سبحانه و تعالی توبه کنید و برخیزید - سبکبار و سنگین‌بار - برای یاری دین الله سبحانه و تعالی.

یاری دهید برادران‌تان را که در حزب التحریر برای برپایی خلافت اسلامی می‌کوشند؛ دولتی که بر اساس آنچه الله نازل کرده حکم می‌راند و ارتش‌ها را برای آزادسازی سرزمین‌های اسلامی و یاری مظلومان در فلسطین، کشمیر، برما و دیگر بلاد تجهیز می‌کند. آن مظلومانی که از حکام خائن شما ناامید شده‌اند و دیگر امیدشان فقط به مخلصانی از میان شماست.

آیا ندای آلاء النجار و دیگر خنساء‌های این امت را پاسخ می‌دهید؟! آیا می‌خواهید در کنار صلاح‌الدین ایوبی، محمد بن قاسم و خالد بن ولید در کنار حوض پیامبر صلی الله علیه وسلم باشید؟! یا با حکام خائن و جنرال‌های فاسدشان، با فرعون و هامان، در دوزخ محشور می‌شوید؟!

این روزها، روزهای امتحان و آزمایش است، برای هر که عقلی دارد و در دلش ذره‌ای ایمان مانده است که راه خود را انتخاب کند. آگاه باشید که عاقبت و سرانجام از آن پرهیزگاران است:

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: 133]

ترجمه: و (با انجام اعمال شایسته و بایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی‌گیری که بهای آن (برای مثال، همچون بهای) آسمان‌ها و زمین است (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه شده است.

(انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) [توبہ: 41]

ترجمہ: (ای مؤمنان! ہر گاہ منادی جہاد، شما را به جہاد ندا در داد فوراً) به سوی جہاد حرکت کنید، سبکبار یا سنگینبار (جوان یا پیر، مجرّد یا متأهل، کم عائلہ یا پر عائلہ، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار، مسلّح به اسلحہ سبک یا سنگین، پیادہ یا سوارہ و... در ہر صورت و در ہر حال) و با مال و جان در راہ اللہ جہاد و پیکار کنید. اگر دانا باشید می دانید کہ این بہ نفع خود شما است.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایہ پاکستان